

آموزش تحلیل سیاسی / منطق امید به آینده روشن (۲)

در این میان اما برخی از افراد، با دیدن برخی کاستی‌ها، موانع، نواقص و معایب، ناامید شده و از ادامه‌ی حرکت بازمی‌ایستند. رهبر انقلاب اما برخلاف این تحلیل، همواره سخن از «آینده‌ی روشن» گفته و نوید آن را به همه، مخصوصاً جوانان داده‌اند. اما این تحلیل و نوید، مبتنی بر یک دستگاه محاسباتی منطقی و واقعی است، نه صرفاً یک آرزوی ایده‌آل‌گرایانه. اما چه منطق و واقعیت‌هایی این امیدواری به آینده روشن را پشتیبانی می‌کند؟

حمایت از کالای ایرانی
تابلوساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۲۹ / دو شنبه بیست و چهارم دیماه ۱۳۹۷

کشورهای عربی برای از سرگیری روابط با سوریه صف کشیده‌اند

باشگاه خبرنگاران جوان: با تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای خارج کردن ۲ هزار نظامی این کشور از شمال شرق سوریه، نیروهای دولتی این کشور آماده هستند تا کنترل این منطقه را در دست بگیرند. استقرار نیروهای سوریه در این منطقه گام بسیار مهمی در مسیر احاطه (دولت) بشار اسد بر سراسر سوریه محسوب می‌شود. در حال حاضر تنها شمال غرب سوریه در کنترل «شورش‌ها» قرار دارد که بیشتر آن‌ها را گروه‌های تروریستی تشکیل می‌دهند. زمانی ارتش دولت سوریه در آستانه از هم پاشیدن قرار داشت، اما دخالت نظامی روسیه در سال ۲۰۱۵ میلادی باعث شد این روند معکوس شود و نیروهای دولتی سوریه و گروه‌های نظامی که توسط ایران حمایت می‌شدند توانستند کنترل شهرهای حمص و حلب را بازپس بگیرند؛ اتفاقی که نقشی حیاتی در تحکیم قدرت اسد در سوریه داشت. تاکنون ۵۰۰ هزار سوری کشته و بخش زیادی از جمعیت این کشور آواره شده‌اند، می‌افزاید شاید نبرد اصلی هنوز در راه باشد، اما بسیاری معتقدند این جنگ به پایان خود نزدیک می‌شود و رهبر ۵۳ ساله سوریه اکنون بسیار آسوده‌تر از هر زمان دیگری طی ۸ سال گذشته است.

فیصل ایتانی، پژوهشگر امور خارومیانه در شورای آتلانتیک معتقد است پذیرفته شدن دوباره بشار اسد در میان کشورهای عربی غیرقابل اجتناب است. ایتانی همچنین در ادامه می‌افزاید: زمانی که بشار اسد آسیب پذیرترین دوران حکومت خود را سپری می‌کرد، عربستان سعودی تلاش کرد با استفاده از نیروهای نیابتی خود او را از قدرت کنار بزند. اکنون که به نظر می‌رسد دولت اسد بر بحران فائق می‌آید، ریاض برای جلوگیری از گسترش نفوذ ایران، سیاست بهبود روابط با دمشق را دنبال خواهد کرد.

حالا نوبت رفتن ترامپ است

جوان: دلایل زیادی در مؤلفه‌های ملی آمریکا و متغیرهای مرتبط با غرب آسیا موجب شد ترامپ عزم خود را برای خروج از سوریه اعلام کند. این مسئله فقط به سوریه محدود نمی‌شود و براساس اعلام معاون رئیس‌جمهور آمریکا، ادامه حضور آمریکا در افغانستان از سوی ترامپ در حال بررسی است. ترامپ نیز تأکید کرده که افغانستان موجب شد اتحاد شوروی تبدیل به روسیه شود و این موضع معانی روشنی در بر دارد. با اینکه صهیونیست‌ها به شدت از این رویکرد ترامپ ناراضی هستند و از طریق بولتون و پمپئو برای منصرف کردن ترامپ تلاش کرده‌اند، ولی فشار لابی‌های

صهیونیستی فقط این اقدام را با کمی تأخیر روبه‌رو کرده است و رصد تحرکات آمریکا در سوریه و عراق نشان می‌دهد که دستگاه دیپلماسی امنیتی و سیاسی آمریکا با عجله دنبال برخی ساماندهی‌های اضطراری با ترکیه و فرانسه است تا از میزان پیامدهای قطعی خروج آمریکا بکاهند. ترامپ نمی‌تواند روی عربستان، امارات و مصر، بیش از پرداخت‌های مالی برخی هزینه‌ها حساب باز کند و اسرائیل هم حتی با نمایش عملیاتی در فرودگاه دمشق به منظور نگه داشتن آمریکا در سوریه و منطقه، دستاوردی نداشت. ترامپ که سال جدید را با تعطیلی دولت فدرال آغاز کرده، مشکلات زیادی دارد و نمی‌داند به کابوس سبقت اقتصاد چین نسبت به آمریکا در سال ۲۰۲۰ فکر کند یا به پرونده‌های گوناگون قضایی و امنیتی که توسط FBI به شکل جدی در حال پیگیری است پردازد.

البته کنگره هم بیکار نیست و در مورد مناسبات مالی - تجاری شخصی ترامپ با محمدبن سلمان، در کنار سیاست خارجی بحران‌ساز ترامپ با تمامی جهان مشغول بررسی‌های خود است. ارتباط ویژه ترامپ با روس‌ها و کتمان برخی از گزارش‌ها از دیدار با مقامات روس، تا رویکرد وزارت خزانه‌داری برای خارج کردن شرکت‌های نزدیک به پوتین از لیست تحریم و موضوعات متنوع دیگر، ترامپ را در دستگاه‌های قضایی، امنیتی و قانونگذاری با مرحله آماده شدن برای استیضاح در کنگره و حتی گمانه‌زنی برای کناره‌گیری از قدرت در سال ۲۰۱۹ از سوی سناتورها و مقامات سابق آمریکا به پیش برده است. سفر دستپاچه پمپئو و بولتون به منطقه، به جز موضع‌گیری‌های تبلیغاتی، فقط برای برطرف کردن نگرانی شرکای آمریکاست که نتیجه‌ای نیز در بر نداشته است، چراکه آمریکا باید در یک زمان‌بندی سریع از برخی مناطق غرب آسیا خارج و تعداد نیروهایش را در ده‌ها پایگاه نظامی کاهش دهد همچنین در ساختار رسمی دولت آمریکا نیز، نوبت به رفتن ترامپ رسیده و این کابوس برای شرکای آمریکا در غرب آسیا هولناک است و یک فروپاشی همه‌جانبه را در افق نزدیک نشان می‌دهد. عجله کشورهای عربی برای بازگشت به دمشق حتی پمپئو را نگران کرد که شاید این کشورها برای کاستن از خسارت‌های بیشتر، حرکت به سمت تهران را نیز برنامه‌ریزی کنند و آمریکا را مقصر همه سیاست‌های‌شان معرفی نمایند. حتی اگر ترامپ با کمک رشوه‌های مالی گسترده کشورهای عربی یا لابی‌های صهیونیستی در مقابل استیضاح دوام بیاورد، دیگر نمی‌توان در نیمه دوم دوره ریاستی‌اش انتظار داشت، همان ترامپ دو سال گذشته در کاخ سفید باشد. مسئله تأمل‌برانگیز و مشکوک این است که عده‌ای که در داخل کشور بلا‌ی برجام را بر کشورمان تحمیل کرده و منتظر دموکرات‌ها بودند، در این شرایطی که ترامپ به سر می‌برد، دست به کار شده و تحلیل می‌کنند که ترامپ برای دوره دوم ریاست هم باقی است و باید با او هرچه زودتر وارد مذاکره شویم! به راستی این کار برای منافع ملی است یا نجات ترامپ!؟

سرنوشت کنفرانس «دوستان سوریه» در انتظار کنفرانس «لهستان»

کیهان: «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا در جریان سفر دوره‌ای خود به منطقه در قاهره بار دیگر مواضع ضد ایرانی خود را با ادبیاتی متفاوت تکرار کرد و کشورمان را «بزرگترین تهدید منطقه‌ای» خواند که «باید مهار شود». وی حتی از برگزاری همایشی در لهستان در بهمن ماه خبر داد که محور اصلی آن ضد ایران خواهد بود. تلاش‌های پمپئو برای معرفی ایران به عنوان بزرگترین تهدید صلح منطقه‌ای اما از سوی چهره‌ها و رسانه‌های مختلف محکوم شده است.

در این ارتباط «عبدالباری العطوان»، نویسنده سرشناس جهان عرب نتیجه سفر وزیر خارجه آمریکا به منطقه را «چپاول بیشتر خزانه شیخ‌نشین‌ها» دانست و گفت: «گروهی به عظمت دوستان سوریه مرکب از ۶۵ کشور به رهبری آمریکا طی چندین سال به هیچ کدام از اهداف خود علیه نظام سوریه نرسیدند، کنفرانس ضد ایرانی لهستان هم از حالا شکست

خورده است.» عطوان در ادامه سفر پمپئو به منطقه را به معنای «اعلام جنگ علیه ایران و حفاظت از اسرائیل و تشکیل پیمان ناتوی عربی - سنی» دانست که «در زمان حمله احتمالی نه فقط علیه ایران بلکه علیه سوریه و لبنان وارد عمل می‌شود» و در این خصوص به اظهارات وزیر خارجه آمریکا طی نطق خود در دانشگاه آمریکایی قاهره اشاره کرد که گفته بود کشورش اجازه نمی‌دهد سوریه به لبنان دیگری تبدیل شود و با توانمندی نظامی از اسرائیل محافظت خواهد کرد تا بتواند از خودش در رویارویی با تهدید زرادخانه موشکی حزب‌الله دفاع کند. «عطوان» در پایان با طرح این سوال که «وقتی گروه دوستان سوریه در تغییر نظام سوریه شکست خورد آیا لهستان در تغییر نظام ایران موفق خواهد بود؟! و این پاسخ را مطرح کرد: «ما بسیار مشکوک هستیم، ما کسانی هستیم که اصلا از همان روز اول انتظار موفقیت گروه دوستان سوریه را نداشتیم.»

پایگاه اینترنتی «کامن دریمز» هم در این باره طی گزارشی نوشته، در مصر و عراق بیش از ۹۰ درصد از مردم نگاهی منفی به آمریکا دارند و مشکل این است که محبوبیت آمریکا در بیشتر کشورهای خاورمیانه کمتر از ایران است. طبق گزارش این پایگاه، پمپئو می‌خواست ایران به عنوان چالش شماره یک قلمداد شود و از سخن گفتن درباره اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان خودداری کرد، اما در کشورهای منطقه، موضوع ایران در رتبه سوم قرار دارد. آزادی فلسطینیان از اشغالگری اسرائیل، در رتبه اول و حل بحران سوریه در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. «المانیتور» هم در گزارشی درباره سخنرانی «مایک پمپئو» وزیر خارجه این کشور علیه ایران در دانشگاه آمریکایی قاهره، بر ناکامی او تاکید کرده است. این رسانه آمریکایی با «ناکام» خواندن سخنرانی پمپئو در مورد ایران افزود: «البته این سخنرانی در ایجاد یک لحن تازه در برابر سخنرانی سال ۲۰۰۹ اوباما در قاهره ناکام ماند.»

چرخه وهمناک در ماندگی

ابتکار: اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری طی دو روز گذشته گفته بود نباید مردم را از آینده ناامید کرد؛ جمله‌ای که البته پیش از این هم بارها از زبان سایر مسئولان دولتی از جمله رئیس‌جمهوری کشور نیز بیان شده بود. اما چرا این گزاره که بارها تیتیر خبر رسانه‌ها شده، نمی‌تواند به معنای واقعی و عملی تاثیرگذار باشد؟ مخاطب معاون اول، برخی از افراد داخل کشور و البته بازنشر برخی از اخبار کذب و دلسردکننده توسط رسانه ملی است. اما آیا می‌توان تنها تقصیر را به گردن مسئولان و رسانه‌هایی که به گفته آقای جهانگیری سیاه‌نمایی می‌کنند، انداخت؟ تردیدی نیست که این روزها بسیاری از مسئولان هم نقش اپوزیسیون به خود گرفته و در یک چرخه وهمناک از انداختن توپ به زمین دیگری افتاده‌اند و ناگفته پیدا است که در این چرخه دولت سیبل آماج تیرهای نقدانه قرار می‌گیرد، در حالی که شاید تقصیر کمتری از سایر اجزای اثرگذار در کشور داشته باشد. اما با این همه، نمی‌توان گناه دولتی که برخاسته از رای قاطع ۲۴ میلیونی مردم است را در ضعف عملکرد خود نادیده گرفت. آقای معاون اول باید بداند که تنها با گفتن جمله تکراری مردم را ناامید نکنید نمی‌توان مولفه‌های اصلی ناامیدی را از ذهن اجتماع مردم به آینده پاک کرد. بی‌شک مولفه‌های امید به زندگی و آینده، از دیدگاه جامعه‌شناسی مفصل است و تنها باید بسنده کرد به بیان اینکه اکثریت جامعه دچار درماندگی آموخته شده از سوی همه سیاست‌گذارانی شده است که هیچ مجالی برای احساس موثر بودن در جامعه به آن‌ها داده نشده است.

زمانی که افراد جامعه حتی در کوچک‌ترین مسائل نمی‌توانند عاملیت خود را در یک فضای برابر به اثبات برسانند چگونه می‌توان انتظار امید به آینده و زندگی از آن‌ها داشت. دولت طی ۵ سال گذشته چه تغییری در ساختارهای معیوب موروثی‌اش ایجاد کرده است تا جامعه با دلخوشی به این تحولات سعی در امیدواری داشته باشد؟ نظام اقتصادی کشور را

چه سیاه‌نمایی بدانیم، چه ندانیم با ابرچالش‌هایی روبه‌رو است که هیچ نشانه‌ای برای تغییر در مشی و روش کلی حرکت آن دیده نمی‌شود چنانچه به‌زعم کارشناسان بودجه سال ۹۸ تفاوت چندانی با سال پیش از آن ندارد و این همان روند دست‌به‌عصایی است که سال‌ها آن را دنبال کرده‌ایم بی‌آنکه تغییری بنیادین در اصول غلط خود داشته باشیم. امید به آینده قطعاً به موارد ذکرشده تقلیل یافتنی نیست و حتماً عوامل پیچیده‌تر و وسیع‌تری دارد اما بی‌شک دولتی که متوقع از مایوس نکردن مردم است، خود باید به عنوان یک عامل مهم اثرگذار، کلاه خود را قاضی کرده و ببیند عملکردش منهای سخنرانی‌های مسئولانش تا چه اندازه توانسته چاره‌ساز احساس ناامیدی مردم شود. بهتر است به جای افتادن در چرخه معیوب توپ به زمین دیگری انداختن، تنها در محدوده اختیارات و وظایف خود منشا اثرات امیدوارکننده باشیم. اگر دولت فکر می‌کند مشکلات موجود بزرگنمایی می‌شود بهتر است با چند اقدام اثرگذار همان مشکلات را پیش مردم کوچک جلوه دهد. اقداماتی که البته وعده‌اش را همین سال گذشته داده بودند. یادمان باشد امید تنها به گفتن و گفتن گفتن به مردم گرفتار در مرداب درماندگی تزریق نمی‌شود.

دشمن شناسی

صبح نو: ایران ۴۰ سال است که پس از دو هزار و ۵۰۰ سال حکومت شاهان، به‌صورت جمهوری اداره می‌شود؛ جمهوری برآمده از رأی و خواسته مردمانی مسلمان. بررسی عملکرد انقلاب در ۴۰ سالگی‌اش را به دو طریق می‌توان انجام داد: اول پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها و دوم معارضات و مخالفت‌ها. در واقع ایران اسلامی را باید در برابر دشمنانش شناخت که او را از بدو تولد تا امروز تحریم کرده‌اند که یک قلمش در فروش نفت بوده، جنگ بزرگ هشت‌ساله‌ای را علیه‌اش به وجود آورده‌اند، از اعمال سیاست‌های حقوقی و فرهنگی ظالمانه بر او دریغ نداشته‌اند و حرکت‌های تروریستی و خرابکارانه وسیعی را در داخل و پیرامونش شکل داده‌اند. هر کدام از این لایه‌های دشمنی، می‌توانست یک حکومت نوپای انقلابی را به زیر بکشد، کما اینکه در بسیاری از کشورهای دنیا چنین سیاست‌ها و اقدام‌هایی نتیجه داده است. اما انقلاب مانده و هر روز درختی تناورتر شده. سیاست رسانه‌ای ما، نباید در حد و مرز اول، یعنی تبیین رشد و توسعه، متوقف بماند؛ بلکه باید بتوان به نسل جدید این موضوع را نشان داد که در افق دهه ۵۰، که اوج اقتدار شوروی و آمریکا بود، هیچ چشم‌اندازی برای شکل‌گیری یک کشور مستقل وجود نداشت و این نکته نه در مقیاس جهانی بلکه در میان مبارزان ایرانی نیز تا حدی شیوع پیدا کرده بود و انقلاب خمینی کبیر (ره) در چنین محیط و فضایی شکل گرفت و به پیروزی رسید و شاید همین راز ماندگاری‌اش در تمامی این ۴۰ ساله بوده و خواهد بود.

